



تلگرام / واتسآپ:
۰۹۱۷ ۸۰۰ ۱۸۰۸
سامانه پیامک:
۱۰۰۰۹۱۷۸۰۰۱۸۰۸

●/ آدمها همه می‌پندارند که زنده‌اند؛ برای آنها تنها نشانه حیات، بخار گرم نفسهایشان است. کسی از کسی نمی‌پرسد؛ آهای فلاتی! از خانه دلت چه خبر؟ گرم است؟ چراغش نوری دارد هنوز؟

۰۹۱۷۲۴۵***۳۰

●/ پست‌ترین انسان کسی است که راز دوران دوستی را به وقت دشمنی بر ملا سازد.

۰۹۱۷۲۴۵***۳۰

●/ به خاطر پناه دادن به کیوتری هیچ درختی بی شاخ و برگ نشده؛ مهربانی کنیم و تکیه‌گاه هم باشیم.

۰۹۱۷۰۴۶***۸۴

●/ وقتی زندگی صد دلیل برای گریه کردن به شما نشان می‌دهد، شما هزار دلیل برای خندیدن به آن نشان دهید.

۰۹۳۶۶۸۸***۸۲

●/ اگر پول داشته باشی انسانها تو را خواهند شناخت و اگر پول نداشته باشی، تو انسانها را خواهی شناخت.

۰۹۳۶۶۸۸***۸۲

●/ دل را فرار نیست، مگر در کنار تو...

۰۹۱۶۴۱۵***۴۰

●/ تو مرا جان و جهانی، چه کنم جان و جهان را؟

۰۹۱۷۳۳۲***۰۳

●/ شب در خم گیسوی تو عابر می‌شد/ با هر نفست بهار ظاهر می‌شد! / ای فلسفه‌ی شگفت، افلاطون هم/ با دیدن چشمان تو عاشق می‌شد.

۰۹۱۷۳۳۲***۰۳

●/ شما دشمنانی دارید؟ بسیار خوب؛ این نشان می‌دهد روزی جایی در زندگی‌تان کار مهمی را خوب انجام داده‌اید.

۰۹۱۷۲۴۵***۳۰

●/ به آسانی می‌توان فهمید که چه کسی بر شما حکومت می‌کند؛ فکر کنید و ببینید از چه کسی نمی‌توانید انتقاد کنید.

۰۹۱۷۲۴۵***۳۰

●/ کسی که گمان می‌کند برگ‌ریزان پاییزی به معنای مرگ برگ‌هاست، هرگز رقص آن‌ها را در روزهایی که باد می‌وزد ندیده است.

۰۹۱۷۲۱۷***۶۹

●/ بر آنچه گذشت؛ آنچه شکست؛ حسرت مخور... زندگی اگر آسان بود، با گریه شروع نمی‌شد!

۰۹۳۰۴۷۷***۶۰

●/ تو این فکر بودم/ که با هر بهونه/ به بار آسمون تو بیارم تو خونه/ حواسم نبود که/ به تو فکر کردن/ خود آسمونه/ خود آسمونه.

۰۹۹۰۰۲۹***۵۴

برای اصلاح جامعه دست از گله و شکایت بردارید و سهم خود را بخوبی ادا کنید. هر کسی باید از خودش شروع کند.



شما جامعه تان هستید...

محبوبه ناصری | پرستاری شغلی است گروه گزارش | که تا عاشق نباشی، نبض تپنده هر بیمار لبخند بر لبانت نمی‌نشانند. پرستاران نمونه گذشت و اینارند و بهترین خاطره هر یک از آنها بازگشت به حیات و فرصت دوباره بیمارانی برای زندگی است.

ولادت حضرت زینب(س) و روز پرستار بهانه‌ای شد تا به سراغ پرستاران دو بخش دیالیز و اتفاقات بیمارستان شهدای نیروی برویم و پای درد دلشان بنشینیم. بخش دیالیز بیمارستان شهداء، ۳ پرستار دارد. طبق گفته مسئول این بخش، ماهیانه ۲۴۰ بیمار ثابت و حدود ۴ بیمار به صورت مہمان باز بخش‌های دیگر به آنجا مراجعه می‌کنند.

●/ **من این شغل را با جان و دل دوست دارم** شهناز بنان مسئول بخش دیالیز درباره علاقه‌اش به پرستاری می‌گوید: «۱۷ سال است پرستارم. اوایل ۳ سال معلم بودم. اما بعد از آن به خاطر علاقه‌ام به پرستاری از دبیری انصراف دادم و وارد رشته پرستاری شدم. پرستاری عشق است و من این شغل را با جان و دل دوست دارم.»

به دیالیز نشوند. تا آنجا که می‌توانید آب بنوشید و تا حد امکان آب را بجوشانید.» وی می‌گوید: «خانواده هر بیمار می‌داند این بخش مقررات خاص خودش را دارد؛ با این وجود گاهی می‌شود که خانواده‌ها با رفتارشان ناراحتان می‌کنند. در این بخش لزومی به همکاری همراه با پرستار نیست و همراهان با رعایت قوانین مربوط به دارو، تغذیه و فعالیت‌های بدنی هر بیمار در منزل، بزرگترین کمک‌رابه ما می‌کنند.»

می‌گیرم.» ***** اتفاقات (اورژانس) یکی دیگر از بخش‌های مهم و حساس و در واقع ورودی بیمارستان است. **همه اعتبار و احترام را مدیون شغلم هستم** مسئول بخش اورژانس (اتفاقات) بیمارستان شهدای نیروی که از سال ۱۳۷۸ وارد این کار شده، در مورد انتخاب شغلش

و عاشورا و ... کار ما چند برابر می‌شود. بعضی وقتها رسیدگی به یک بیمار بدحال آنقدر خستگی دارد که یک ماه از نظر روحی و جسمی خسته هستیم. مگر در یک سال چند بار می‌شود خبر فوت یک عزیز را به خانواده‌اش داد؟» وی یکی دیگر از مشکلات شغلش را مواجهه با بیماری‌های عفونی و واگیردار می‌داند و می‌گوید: «در کار ما اشتباه جبران‌ناپذیر است و اگر باعث از دست

سرانه بیمه هر فردی را پزشک خانواده از سازمان بیمه مربوطه دریافت می‌کند؛ چه او به پزشک مراجعه کند و چه نکند. این در حالی است که با مراجعه به اورژانس بیمارستان، مجدداً این هزینه از سازمان بیمه کسر می‌شود و ضرر به سازمان بیمه‌ها باعث حذف یک دارو از پوشش بیمه‌ای و در نهایت ضرر به مردم می‌گردد.»

بخش واقعاً وقت ما را می‌گیرد، تلفن‌های وقت و بی‌وقت و بی‌مورد است.» ذکایی از خاطرات تلخ و شیرینش در بخش اتفاقات می‌گوید: «یکی از خاطرات تلخ و شیرینم مربوط می‌شود به سوختگی صورت دختر بچه‌ای توسط اسید. آن روز به محض ورود دختر بچه به بخش اورژانس، در حمام سوختگی به مدت زیادی او را شستیم و اعزامش کردیم. نگران بینایی و ظاهر صورتش بودم. بعدها به بیمارستان آمد و دیدم تحت چندین عمل زیبایی قرار گرفته و بینایی‌اش هم خدا را شکر موردی نداشت؛ آن روز واقعاً از ته قلبم خوشحال



در مورد علاقه‌اش به بخش دیالیز می‌گوید: «با وجود این که کار در این بخش سخت است، حاضر نیستم آن را عوض کنم. من در این بخش بیمارانی دارم که مدت زمان زیادی با آنها هستم و گویی جزئی از خانواده‌ام شده‌اند.»

بنان از عملکرد انجمن حمایت از بیماران کلیوی ناراضی است و می‌گوید: «این انجمن به نام بیماران کلیوی است؛ اما بیشتر کمکشان به بخشهای دیگر است. البته یک کمک هزینه ۵۰ هزار تومانی از طرف این انجمن به بیماران می‌شود؛ اما واقعاً اجی‌زاست.»

وی ادامه می‌دهد: «چندی پیش یک بیمار که مشکل نارسایی کلیوی داشت به اینجا مراجعه کرد. وی پدر سه فرزند و سرپرست خانوار است. او به علت وضع مالی بد و نداشتن توان کار نتوانسته بیمه‌اش را بپردازد و می‌بایست بابت هر بار دیالیز ۳۰۰ هزار تومان پرداخت کند. هفته‌ای دو بار آن هم با چنین مبلغی واقعاً برای این بیمار کمر شکن است و حتی افراد با وضع مالی خوب هم ممکن است از پس آن برنمایند.»

این پرستار ضمن تشکر از خیرین، از آنها می‌خواهد تا بیشتر به این بخش و بیماران آن توجه کنند. وی می‌گوید: «یکی از دستگاه‌های بخش دیالیز خراب است و ای کاش خیرین بیشتر از هر چیزی کمک‌هایشان را صرف امور پزشکی کنند.» بنان از مردم می‌خواهد تا بیمه‌های مربوط به کلیه را جدی بگیرند. وی می‌گوید: «چنانچه به فشارخون یا بیماری دیابت مبتلا هستید، آزمایش‌های سالانه را حتماً انجام دهید تا کلیه به مرحله دیالیز نرسد. همچنین بیماران سنگ کلیه روند درمان خود را کامل کنند تا خدای ناکرده مجبور

می‌گوید: «خدمت سربازی را در اورژانس یک بیمارستان کار می‌کردم و همان شد که به پرستاری علاقه‌مند شدم. یک سال در اورژانس شیراز کار کردم و بعد از آن هم تا به امروز در اورژانس نیروی مسئولیت این بخش را برعهده داشته‌ام. از این که پرستار شدم ناراحت نیستم و اگر دوباره به گذشته برگردم، دوباره این شغل را انتخاب می‌کنم؛ چون همه اعتبار و احترامم را در جامعه

سختی‌هایش هم برایم لذت بخش است» فاطمه قتییری پور ۲۲ سال در این شغل فعالیت می‌کند. به شغلش علاقه زیادی دارد و در این باره می‌گوید: «شب‌کاری برای یک زن سخت است؛ اما من عادت کرده‌ام و به خاطر علاقه‌ای که به این کار دارم، سخته‌هایش هم برایم لذت‌بخش است.»

قتییری پور اهداء عضو به یک بیمار را بهترین خبر ممکن می‌داند و می‌گوید: «وقتی بیمار جلو چشمم درد می‌کشد، از تمام وجودم برای سلامتی‌اش دعا می‌کنم و وقتی می‌شنوم به بیماری اهداء عضو شده، انگار دنیا را به من داده‌اند.»

وی یکی از مشکلات این بخش را درگیری‌های اداری و کامپیوتری آن می‌داند و می‌گوید: «همه کاره این بخش خودمان هستیم و رسیدگی به پرونده‌ها و امور کامپیوتری، مسئولیت‌مان را چندین برابر کرده. کاش این وظایف از حوزه کاری ما جدا می‌شد.»

دعای یک بیمار آرامم می‌کند عزیزه فراغت متولد لار، دیگر پرستار مهربان این بخش است. به خاطر دوری از خانواده زیاد راضی نیست؛ اما علاقه‌اش به پرستاری باعث شده رنج دوری از خانواده را تحمل کند. ۲۸ سال شب و روزش را وقف بیماران کرده، از حضورش در این بخش راضی است و می‌گوید: «با بیماران بخش دیالیز رابطه عاطفی برقرار کرده‌ام. زمانی که یکی از آنها فوت کند، روحیه‌ام خراب می‌شود؛ مخصوصاً اگر جوان باشد. اما اگر خبر بهبودی یا اهداء عضوشان را بشنوم، واقعاً خوشحال می‌شوم. وقتی از شدت خستگی نای کار کردن ندارم، دعای یک بیمار آنقدر آرامم می‌کند که جانی دوباره

تأسف است که مسئولان شهرستان در این سالها نتوانسته‌اند یک درمانگاه شبانه‌روزی دولتی یا خصوصی در شأن مردم نیروی راه‌اندازی کنند.»

وی یکی دیگر از مشکلات این بخش را کمبود پزشک عمومی می‌داند و می‌گوید: «بیمارستان بابت بخش تریاژ هزینه و فضا و امکانات فیزیکی بسیاری فراهم کرده است، همچنین پرستاران با تجربه نیز در این بخش در حال فعالیت هستند تا به بهترین نحو به بیماران رسیدگی شود. تریاژ یعنی جدا کردن بیماران بدحال از خوش‌حال. این بخش همانند فیلتری است که باید وضعیت بیمار به بهترین نحو سنجیده شود و برای ویزیت در اولویت قرار بگیرد. در تریاژ پارتی بازی نمی‌شود و مسئولیت قانونی زیادی دارد.»

بخش پور در پایان در مورد خاطرات تلخ و شیرین دوران پرستاری‌اش چنین می‌گوید: «خاطرات تلخ و شیرین زیادی دارم؛ ولی همیشه به همکارانم توصیه می‌کنم وجدان انسانی داشته باشند و طوری کار کنند که بعد از گذشت بیست سال وقتی به عملکردشان نگاه می‌کنند، با افتخار بگویند من نگذاشتم زنان بی‌سرپرست و بچه‌هایی یتیم شوند.»

در ادامه به دفتر پرستاری این بخش رفتیم و پای صحبت چند تن از پرستاران نشستیم. **پرستاری سخت است؛ اما عشق است** لیلا ذکایی کارشناس پرستاری، ۶ سال که در این شغل کار می‌کند. او بالا رفتن سطح هوشیاری یک بیمار تصادفی را بهترین لحظه عمر یک پرستار تلقی می‌کند و می‌گوید: «پرستاری شغل سختی است؛ اما عشق است. گاهی که برنامه کاریمان سه شیفت می‌شود، حتی ساعتها فرصت

و کارگاهی. از مردم خواهش می‌کنم در ساعات شلوغی یا نصف شب، برای موارد غیر ضروری مثل رادیولوژی و نسخه‌نویسی به بیمارستان مراجعه نکنند و تا حد امکان از پزشک خانواده خود استفاده کنند؛ زیرا

مدیون آن هستم.» محمدحسین بخش‌پور پرستاری را یکی از سخت‌ترین مشاغل می‌داند و می‌گوید: «ما در شغلمان تعطیلی نداریم. در تعطیلات سالانه مثل عید نوروز، سیزده به در، تاسوعا

از مردم ما را مقصر کمبود امکانات می‌دانند»

از مردم ما را مقصر کمبود امکانات می‌دانند»

از مردم ما را مقصر کمبود امکانات می‌دانند»

از مردم ما را مقصر کمبود امکانات می‌دانند»

از مردم ما را مقصر کمبود امکانات می‌دانند»